

Fear of Divorce and Attitude towards Marriage: A Study of Single Women in Tehran

Marjan Rashvand Sorkh Kuleh¹

Assistant Professor, Department of Demography, Faculty of Social Sciences, Allameh
Tabataba'i University, Tehran, Iran

Fatemeh Vojdani

Associate Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Theology and Religious Studies,
Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Received: 12 December 2024 Revised: 12 February 2025 Accepted: 1 March 2025

Abstract

The negative attitude towards marriage among the new generation has concerned experts and policy makers in the field of culture and family. This can be a product of diverse issues and problems. The research seeks to investigate the relationship between fear of divorce (and other variables) and attitude towards marriage. This is a cross-sectional survey with a descriptive-correlational design. Accordingly, a district was randomly selected from each of the three main development areas (developed, moderately developed, and underdeveloped) in the 22 districts of Tehran. The statistical population of the study comprises single women aged 20-34 residing in Tehran within districts 3, 8, and 15. A sample size of $n=382$ people was estimated using Cochran's formula. A combination of multi-stage stratified and simple random sampling methods were employed. The results of the multivariate analysis suggest that, while controlling for all other variables, fear of divorce, dating experience, and social media use have a negative impact, and religiosity and age have a positive bearing on girls' attitudes towards marriage. On the other hand, the path analysis results reveal the mediating and moderating role of fear of divorce in the relationship of social media use, religiosity, and dating experience with girls' attitudes towards marriage. Given that fear of divorce is

1. Corresponding Author. Email: m.rashvand@atu.ac.ir



©2024 The author(s). This is an open access article under the CC BY license:
<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

How to cite this article: Rashvand Sorkh Kuleh, M. and Vojdani, F. (2025). Fear of Divorce and Attitude towards Marriage: A Study of Single Women in Tehran. Ferdowsi University of Mashhad Journal of Social Sciences, 22(3), 67-97. Doi: 10.22067/social.2025.91205.1591

significantly linked to attitudes towards marriage, and it also pertains to variables of social media use, religiosity, and dating experience, it is recommended to provide necessary training on social media management and media literacy, foster religious beliefs from childhood, hold educational courses, and redefine the model of communication with the opposite sex in universities.

Keywords: Fear of Divorce, Attitude Towards Marriage, Friendship Experience, Social Network, Religious Beliefs, Single Girls in Tehran.

ترس از طلاق و نگرش به ازدواج: مطالعه‌ای در میان دختران مجرد شهر تهران

مرجان رشوند سرخکوله (استادیار گروه جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

نویسنده مسئول)

m.rashvand@atu.ac.ir

فاطمه وجدانی (دانشیار گروه معارف اسلامی، دانشکده الهیات و ادیان، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران)

f_vojdani@sbu.ac.ir

چکیده

کاهش نگرش مثبت به ازدواج در میان نسل جدید، یکی از نگرانی‌های صاحب‌نظران و سیاست‌گذاران حوزه فرهنگ و خانواده است. این مسئله می‌تواند حاصل مسائل و مشکلات گوناگونی باشد. هدف از تحقیق حاضر، بررسی رابطه میان متغیر ترس از طلاق (و برخی متغیرهای دیگر) با متغیر نگرش به ازدواج است. پژوهش حاضر یک پیمایش مقطعی بوده و دارای ماهیت توصیفی - همبستگی است. از بین مناطق بیست‌ودوگانه شهر تهران، از هر یک از سه منطقه اصلی (توسعه‌یافته، توسعه‌یافتگی متوسط و توسعه‌نیافته)، به شیوه تصادفی ساده یک منطقه انتخاب شده است. جامعه آماری تحقیق شامل دختران مجرد ۲۰-۳۴ ساله ساکن شهر تهران در مناطق سه، هشت و پانزده است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۲ نفر برآورد گردید. شیوه نمونه‌گیری ترکیبی از روش‌های طبقه‌بندی چندمرحله‌ای و تصادفی ساده بوده است. نتایج تحلیل چندمتغیره بیانگر آن است که با کنترل همه متغیرها، متغیرهای ترس از طلاق، تجربه دوستی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی به صورت منفی و متغیرهای دینداری و سن به صورت مثبت بر نگرش دختران به ازدواج تأثیرگذار هستند. از سوی دیگر نتایج تحلیل مسیر بیانگر نقش میانجی و واسطه‌ای ترس از طلاق در ارتباط با تأثیرگذاری متغیرهای استفاده از شبکه‌های اجتماعی، دینداری و تجربه دوستی بر نگرش دختران به ازدواج است.

نشریه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، سال بیست و دوم، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۴، شماره پیاپی ۵۳، صص ۹۷-۶۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۲۲ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۱/۲۴ تاریخ تصویب: ۱۴۰۳/۱۲/۱۱

با توجه به این که مشخص شد که ترس از طلاق با نگرش به ازدواج رابطه معنی دار دارد و ترس از طلاق نیز، خود با متغیرهای استفاده از شبکه‌های اجتماعی، دینداری و تجربه دوستی رابطه دارد، ضرورت آموزش‌های لازم جهت مدیریت مصرف رسانه و سواد رسانه‌ای و نیز تقویت دینداری از دوران کودکی تا دوره‌های آموزشی و اصلاح الگوی ارتباطی با جنس مخالف در دانشگاه‌ها، توصیه می‌شود.

واژگان کلیدی: ترس از طلاق، نگرش به ازدواج، تجربه دوستی، شبکه اجتماعی، دینداری، دختران مجرد تهرانی.

۱. مقدمه و بیان مسئله

یکی از مسائلی که امروزه در ارتباط با نهاد خانواده با آن مواجهیم، کاهش گرایش به ازدواج و به عبارتی، کاهش ارزش ازدواج در میان نسل جدید است. پژوهش‌های میدانی نشان‌دهنده روند افزایشی جوانانی است که علاقه به ازدواج ندارند، فرد مناسب خود را پیدا نمی‌کنند، نگران دیر ازدواج کردن نیستند و کسانی که اصلاً دغدغه ازدواج ندارند (غیاثوند، ۱۴۰۲) و دوست دارند مدت‌های زیادی از عمر خود را مجرد باشند (مرادی و صفاریان، ۱۳۹۱: ۲۴). کاهش گرایش به ازدواج، زمینه را برای افزایش میانگین سن ازدواج و رسیدن بسیاری از جوانان به مجرد قطعی فراهم می‌کند (قنبری برزیان و همکاران، ۱۳۹۷)؛ در همین راستا، در دهه‌های اخیر تغییرات مهمی در الگوی سنی ازدواج، به‌ویژه در میان دختران اتفاق افتاده است. میانگین سن ازدواج در دخترها از ۱۸.۴ سال (در سال ۱۳۴۵)، به ۲۳ سال (در ۱۳۹۵) رسیده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵) و الگوی سنی ورود به ازدواج در زنان بیش‌تر از مردان دستخوش تغییر شده است و میزان تأخیر در زنان برجسته‌تر است (رشوند سرخکوله، ۱۳۹۷) که بحث راجع به دلایل آن فرصت دیگری می‌طلبد.

به دنبال تغییر نگرش‌های نسل جوان نسبت به ازدواج، کاهش ازدواج ممکن است باعث افزایش اختلالات رفتاری و آسیب‌پذیری جنسی، افزایش بیماری‌های جسمی و روحی، کاهش جمعیت،

افزایش مجرد قطعی (آزادارمکی، ۱۳۸۶: ۱۰۲)، گسترش هم‌خانگی و هم‌باشی (ازدواج سفید) و در نهایت تزلزل جامعه (گیدنز، ۱۳۸۶: ۴۵۳) شود.

کاهش گرایش نسل جدید به ازدواج مسئله پیچیده‌ای است و دلایل گوناگونی دارد که هنوز همه آن‌ها شناسایی نشده‌اند. از سوی دیگر، یکی دیگر از مشکلات جدی که در جامعه با آن مواجه هستیم، آمار بالای طلاق در سال‌های اخیر است که ممکن است به نوعی، با بحث کاهش تمایل جوانان به ازدواج ارتباط داشته باشد. براساس گزارش مرکز آمار ایران، تعداد طلاق ثبت شده با مدت ازدواج کم‌تر از یک سال، از ۲۱۹۸ طلاق در بهار ۱۳۹۹ با رشد ۳۹ درصدی در تابستان همان سال به ۳۰۶۸ طلاق رسیده است (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۰). این گونه آمارها خوش‌بینی نسبت به ازدواج و موفقیت ازدواج را در میان اعضای جامعه کاهش می‌دهد.

در این میان، جوانان که از حساسیت بیش‌تری هم برخوردار هستند، هر روزه تجاربی از شکست ازدواج را در دوستان، نزدیکان، اقوام یا حتی در بین اعضای خانواده خود مشاهده می‌کنند. طلاق علاوه بر فرایند فرسایشی و توان‌فرسا، تبعات فردی، خانوادگی و اجتماعی زیادی نیز در پی دارد. به‌خصوص زمانی که پای فرزند یا فرزندان نیز در میان باشد، تبعات منفی آن بسیار بیش‌تر هم خواهد بود و تا آخر عمر، دامن‌گیر افراد خواهد بود. زوجینی که از هم جدا شده‌اند، نه تنها بسیاری از سرمایه‌های زمانی، عاطفی و اقتصادی خود را از دست داده‌اند، گاه برای همیشه فرصت ازدواج مجدد و موفق را نیز از دست می‌دهند و تا آخر عمر باید با مشکلات عدیده‌ای دست و پنجه نرم کنند. طبیعی است که مشاهده مکرر این‌گونه مسائل، خوش‌بینی به ازدواج و امید به ازدواج موفق را کاهش می‌دهد و به‌ویژه، برای جوانان که در بحبوحه تصمیم‌گیری برای این امر مهم هستند، نگرانی‌های زیادی نیز ایجاد می‌کند. براین‌اساس، به نظر می‌رسد که ترس از طلاق یکی از عواملی باشد که اشتیاق و تمایل جوانان را به ازدواج تحت‌الشعاع قرار دهد. البته این امر نیاز به پژوهش دارد. اگر یافته تحقیقات این فرضیه را تأیید کند، آموزش‌های لازم جهت تقویت مهارت‌های

پیشگیرانه، حمایت روانی و جلب اطمینان جوانان می‌تواند در رفع این معضل مفید واقع شود و شرایط روانی لازم را تأمین نموده و نگرش مثبت به ازدواج را تأمین کند.

اگر بخواهیم ابعاد مختلف این مسئله را باز کنیم، مسئله دیگری که باز هم بی‌ارتباط با مسائل پیش گفته نیست و شاید به روشن‌تر شدن این تصویر کمک کند، الگوهای ارتباطی نامناسب جوانان در دوره مجردی است. طبق یافته تحقیقات میدانی، تعداد قابل توجهی از جوانان ما درگیر دوستی‌های دختر و پسر و حتی روابط پیشرفته و جنسی قبل از ازدواج هستند (علی‌تبار و همکاران، ۱۳۹۳؛ عظیمی‌هاشمی و همکاران، ۱۳۹۴). این‌گونه روابط قبل از ازدواج، موجب بدبینی به جنس مخالف (قادرزاده و همکاران، ۱۳۹۶؛ قنبری‌برزیان و همکاران، ۱۳۹۷) می‌شود. به‌ویژه اگر به دفعات تکرار شود و این بدبینی، عمیق شود، به نوبه خود می‌تواند منجر به بی‌رغبتی به ازدواج شود. از سوی دیگر حتی در صورت ازدواج نیز، داشتن بی‌اعتمادی متقابل زوجین، در میان افرادی که قبل از ازدواج چنین تجاربی داشته‌اند، به‌طور معناداری بالاتر است (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۰). این افراد سازگاری زناشویی کم‌تری با همسر خود دارند (ملک‌عسگر و همکاران، ۱۳۹۶)، بی‌وفایی و خیانت زناشویی در میان آن‌ها شایع‌تر است (نژادکریم و همکاران، ۱۳۹۵؛ قادرزاده و همکاران، ۱۳۹۶) و احتمال طلاق در آن‌ها چند برابر افرادی است که قبلاً چنین روابطی نداشته‌اند (خلج‌آبادی‌فراهانی، ۱۳۹۱؛ ذوالفقاری، ۱۳۹۲).

لذا افرادی با سابقه دوستی و به‌ویژه روابط پیشرفته در قبل از ازدواج، احتمالاً زندگی‌های ناپایداری خواهند داشت. بنابراین، نگرانی راجع به پایداری زندگی در صورت ازدواج (و به عبارت دیگر، ترس از طلاق) برای این جوانان قابل پیش‌بینی است. معضل دیگری که برای این افراد پیش می‌آید، تنوع‌طلبی است. خود تنوع‌طلبی هم می‌تواند رغبت به ازدواج را در آن‌ها کاهش دهد؛ چراکه ازدواج برای آن‌ها تعهد به محدود ماندن و محدود کردن خود به رابطه با یک فرد و عملاً، محروم نمودن خود از رابطه با شریک‌های عاطفی و جنسی متنوع است که می‌تواند اشتیاق به ازدواج را برای جوانان تنوع‌طلب کاهش دهد. علاوه بر این، ترس از افشا شدن روابط از دیگر پیامدهای این‌گونه

ارتباطات است (زیتتی، ۱۳۸۲) که فشار روانی زیادی بر افراد وارد می‌کند و می‌تواند باعث شود که فرد از ازدواج اجتناب کند. به‌طور کلی طبق آنچه تحقیقات نشان می‌دهند، به‌ویژه روابط پیشرفته پیش از ازدواج تأثیرات روحی روانی زیادی بر افراد دارد و منجر به مسائلی هم‌چون ترس، بیزاری، عدم اعتماد به نفس، کج خلقی، احساس گناه و نظایر این‌ها می‌شود (آقامحمدیان شهرباف و نیمروزی، ۱۳۸۵) که می‌تواند شور و اشتیاق و تمایلی را که به‌طور طبیعی در یک فرد سالم به لحاظ روحی و روانی برای ازدواج می‌تواند وجود داشته باشد، دچار اختلال کند. هم‌چنان که فیشر (۲۰۱۴) نیز تأکید می‌کند که تجربه عاطفی و جنسی پیش از ازدواج در بیش‌تر موارد با شکست عاطفی همراه است که در طی آن انتظارات فرد از روابط عاشقانه، به‌صورت ناگهانی یا تدریجی در وضعیت آشفتگی قرار می‌گیرد. به‌هرحال، بسیاری محققان در تحقیقات خود به‌صراحت نشان داده‌اند که روابط جنسی پیش از ازدواج، سبب کاهش گرایش جوانان به ازدواج می‌شود (مانند قنبری‌برزیان و همکاران، ۱۳۹۷) و البته دلایل و ریشه‌های این امر، هنوز نیاز به بررسی دارد.

در یک بررسی عمیق‌تر باید دید خود این‌گونه مسائل از کجا ناشی می‌شوند و تحت تأثیر چه عواملی تشدید یا کنترل می‌شوند. در این صورت بهتر می‌توان مداخله‌های اصلاحی و مؤثر را جهت مدیریت این بحران طراحی نمود. در این زمینه جا دارد که تأثیرگذاری دو عامل مهمی که امروزه فکر، ذهن و گرایشات جوانان را سمت و سو می‌دهند، در این قضایا روشن شود: استفاده از شبکه‌های اجتماعی و دینداری. به‌عنوان مثال، برخی محققان رابطه معنی‌دار و منفی میان دینداری و نگرش مثبت نسبت به رابطه با جنس مخالف گزارش کرده‌اند (غفاری و همکاران، ۱۳۹۶) هم‌چنین، استفاده از ماهواره (خصوصاً فیلم‌های منفی) (رجبی و البرزی، ۱۳۹۶) و استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی (مبارکی و شرفی، ۱۳۹۸) با تجربه دوستی با جنس مخالف را مرتبط شناخته‌اند.

آیا این دو عامل در بروز یا کنترل مسائل پیش‌گفته نقش‌آفرینی دارند و تا چه حد و چگونه تأثیر می‌گذارند؟

البته در این میان شناسایی رابطه میان سن جوانان و میزان تحصیلاتشان با این متغیرها نیز می‌تواند جنبه‌های ظریف‌تری را از مسائل پیش‌گفته برای ما روشن کند، گروه‌هایی را که بیش‌تر در معرض خطر هستند، برای سیاست‌گذاران مشخص سازد و برنامه‌ریزی دقیق‌تر و همراه با اولویت‌بندی را امکان‌پذیر سازد. بنابراین، هدف اصلی این تحقیق، بررسی رابطه میان متغیرهای: استفاده از شبکه‌های اجتماعی، ترس از طلاق، تجربه دوستی (با جنس مخالف) و دینداری با متغیر نگرش به ازدواج است.

۲. مبانی نظری تحقیق

در مورد رابطه میان ترس از طلاق و نگرش به ازدواج، طبق جستجوهای انجام شده، پژوهش منتشر شده‌ای یافت نشد. اما در زمینه رابطه میان استفاده از شبکه‌های اجتماعی، تجربه دوستی (با جنس مخالف) و دینداری با متغیر نگرش به ازدواج تحقیقاتی تاکنون انجام شده که به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

در ارتباط با رابطه میان دینداری و گرایش به ازدواج، تحقیقات مختلف (رشوند سرخکوله، ۱۳۹۷؛ سرایی و اجاقلو، ۱۳۹۲) رابطه مستقیم و معناداری بین دینداری با ارزش ازدواج ذکر کردند. برزگر خضری و خدابخشی کولایی (۱۳۹۶) نیز در پژوهشی که انجام دادند به این نتیجه رسیده‌اند که جهت‌گیری مذهبی و خودکنترلی از عوامل مؤثر بر نگرش افراد به روابط قبل از ازدواج با جنس مخالف است. خلج‌آبادی فراهانی (۱۴۰۰) نیز پابندی مذهبی را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین تعیین‌کننده‌های ازدواج برای جوانان گزارش کرده است.

در مورد رابطه میان روابط پیش از ازدواج با نگرش به ازدواج، خلج‌آبادی فراهانی و شجاعی (۱۳۹۲) دریافتند که تجربه معاشرت پیشرفته قبل از ازدواج، یکی از عوامل تعیین‌کننده افزایش سن ازدواج بین دختران است. در مقابل در پسران معاشرت پیشرفته پیش از ازدواج بر افزایش سن ازدواج تأثیری ندارد. در تحقیق دیگری، خلج‌آبادی فراهانی و همکاران (۱۳۹۲) به این نتیجه رسیدند که

تجربه جنسی تعیین‌کننده افزایش سن ازدواج است، ولی رابطه دوستی با جنس مخالف در بین دختران با تمایل بیش‌تر به ازدواج همراه است. گاقان^۱ (۲۰۰۲) وجود رابطه بین تعدد ارتباطات پیش از ازدواج و کاهش تمایل به ازدواج در دختران را نشان داد. لذا یافته‌ها در این مورد کمی متفاوت است.

در زمینه رابطه میان تحصیلات و نگرش به ازدواج نیز بسیاری تحقیقات نشان داده‌اند که با افزایش سطح تحصیلات گرایش به ازدواج کاهش می‌یابد (مانند: امامی و همکاران، ۱۴۰۰) و سن ازدواج بالا می‌رود (انتظاری و همکاران، ۱۳۹۷؛ عسکری‌ندوشن و همکاران، ۱۳۹۷). تاج‌بخش و محمدی (۱۳۹۹) نیز در تحقیق خود دریافتند که میزان تحصیلات به‌ویژه در مقاطع بالای تحصیلی با گرایش به افزایش سن ازدواج در بین جوانان، بسیار پراهمیت و در ارتباط است. اما برخی محققان هم رابطه معناداری میان تحصیلات و گرایش به ازدواج پیدا نکردند (سیاح و همکاران، ۱۳۹۷؛ کیان‌پور و همکاران، ۱۴۰۲). حسین و اسلام^۲ (۲۰۱۳) نیز دریافتند که تحصیلات تأثیر مثبتی در گرایش به ازدواج زنان دارد.

درمورد رابطه میان مصرف رسانه و نگرش به ازدواج نیز تحقیقاتی انجام شده است. شهانواز و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی، احتمال وقوع آینده‌پیشران‌های مجرد در ایران ۱۴۱۴ را با ارائه فرضیه‌هایی برای آینده مجرد طراحی و بررسی کردند. احتمال وقوع شش فرض مطرح شده برای هر یک از پیشران‌های مجرد به تفکیک به دست آمد که در این میان، فرض "افزایش تأثیر رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اجتماعی بر تغییر نگرش جوانان" بالاترین درصد احتمال وقوع را از نظر متخصصان دارد. سرایی و اجاقلو (۱۳۹۲) نیز دریافتند که تجربه جهانی شدن، رابطه معکوس و منفی با ارزش ازدواج دارد.

1. Gaughan

2. Hossain & Islam

معمار و یزدخواستی (۱۳۹۴) نیز تجارب زیسته دختران ۳۰ تا ۴۹ ساله مجرد را بررسی کردند و دریافتند که ترجیح تجرد به ازدواج بازتاب واکنش کنشگران در عرصه اجتماعی است.

تأمل در تحقیقات پیشین نشان می‌دهد که اولاً، پژوهش‌های پراکنده‌ای حول برخی از ابعاد مرتبط به موضوع این تحقیق صورت گرفته است؛ اما پژوهشی که رابطه همزمان میان متغیرهای ترس از طلاق، استفاده از شبکه‌های اجتماعی، تجربه دوستی (با جنس مخالف) و دینداری را با متغیر نگرش به ازدواج و نحوه تأثیر و تأثر این متغیرها را روی هم بررسی کند، تاکنون انجام نشده است. به علاوه متغیر ترس از طلاق متغیر جدید اما مهمی است که امروزه با بالا رفتن آمار طلاق باید مورد بررسی‌های جدی قرار بگیرد و تاکنون مورد توجه پژوهشگران نبوده است و این پژوهش، به‌ویژه از این نظر حاوی نوآوری است. همچنین در نظر گرفتن نحوه اثرگذاری متغیرهایی هم‌چون سن و تحصیلات می‌تواند گروه‌های پرخطر را برای سیاست‌گذاران فرهنگی مشخص کند و لذا گروه‌های هدف را برای برنامه‌های آموزشی و اصلاحی تعیین کند.

یکی از موضوعاتی که در ذیل تغییر ارزش‌های خانوادگی قابل مطالعه و بررسی است، ازدواج و نگرش به آن است. یکی از تئوری‌های مهم تبیین‌کننده تغییرات خانواده و ارزش‌های آن، نظریه گذار دوم جمعیتی است.

این نظریه عمدتاً تلاش می‌کند تا سهم و اثر تغییرات نگرشی و فرهنگی را در شکل‌دهی ایده‌آل‌های فردی در حوزه خانواده مشخص کند و از این رهگذر، تحولات خانواده را در کشورهای پیشرفته (به‌خصوص بعد از جنگ جهانی دوم) تبیین و تفسیر کند. از دهه ۱۹۶۰ میلادی به بعد، کشورهای مذکور پیرو افت باروری و افزایش مرگ و میر در قرون نوزده و بیست، تغییر و تحولات زیادی را در حوزه مناسبات خانوادگی به خود دیدند. برخی اندیشمندان (ون‌دکا، ۲۰۰۱؛ لستهاق و سورکین، ۱۹۸۸) بر این باورند که تغییر و تحولات وسیع حوزه خانواده را در کشورهای اروپای غربی که در نیمه دوم قرن بیست به وقوع پیوست، می‌توان به‌عنوان نشانه‌ای از انتقال دوم جمعیتی تلقی کرد.

اولین علائم و سرنخ‌های انتقال جمعیتی دوم را پیش از دهه ۱۹۵۰ می‌توان یافت؛ زمانی که آمار طلاق در ایالات متحده و کشورهای اسکاندیناوی بالا رفت. چندی بعد، از نیمه دوم دهه ۱۹۶۰ به بعد، شاهد هستیم که باروری از آن حالت انفجاری که قبلاً داشت، شروع به روند نزولی کرد. از سوی دیگر، سن افراد در اولین ازدواج افزایش یافت و آمار مجردان بالا رفت. از جمله تغییراتی که در ارتباط با گذار جمعیتی دوم، در خانواده مشاهده شد، به‌زعم لستهاق و ون‌دکا^۱ (۱۹۸۶) گسترش زوج زیستی^۲ بود؛ به‌طوری‌که در فرانسه و انگلیس بیش از ۴۰ درصد موالید خارج از چارچوب ازدواج تولد یافتند، در حالی‌که در سال ۱۹۶۰، در دو کشور مذکور این نسبت شش درصد بود (رشوند سرخکوله، ۱۳۹۷: ۴۸).

در این کشورها همزمان با تغییرات در سطح جامعه، شاهد تغییر و تحولات مهم‌تری در ازدواج، روابط جنسی و امور مربوط به خانواده هستیم. نهاد خانواده به‌مثابه یک نهاد اجتماعی در دهه‌های آخر قرن بیستم دستخوش تغییرات زیادی شد و تعهدات مربوط به ازدواج رسمی و فرزندآوری دچار فرسایش شد. در جوامعی که دچار باروری زیر سطح جانشینی هستند، انتظار می‌رود که شاهد کاهش میزان ازدواج و نیز، افزایش در سن ازدواج، آمار طلاق و جدایستی باشیم.

خانواده در ایران از خانواده گسترده به خانواده هسته‌ای تغییر کرده، ازدواج‌های ترتیب داده شده جای خود را به ازدواج‌های مبتنی بر عشق و خودانتخابی داده‌اند، سن ازدواج افزایش یافته است و هم‌چنین، روابط و مناسبات بین دختر و پسر تغییر یافته، داشتن رابطه با جنس مخالف در میان جوانان عادی‌تر شده، نگرش به ازدواج تغییر یافته و تغییراتی از این دست که ناشی از این گذار بوده‌اند (رشوند سرخکوله، ۱۳۹۷: ۵۲). از همین‌رو، به دلیل اثرات گذار دوم جمعیتی، بعضی از ارزش‌های خانواده در ایران نیز تغییر یافته است که از آن جمله می‌توان به تغییر نگرش به ازدواج اشاره نمود.

1. Lesthaeghe & van de kaa

2. Cohabitation

با افزایش سن ازدواج، روابط و مناسبات دختر و پسر نیز تغییر کرده و میزان طلاق نیز طی سال‌های اخیر روند افزایشی داشته است.

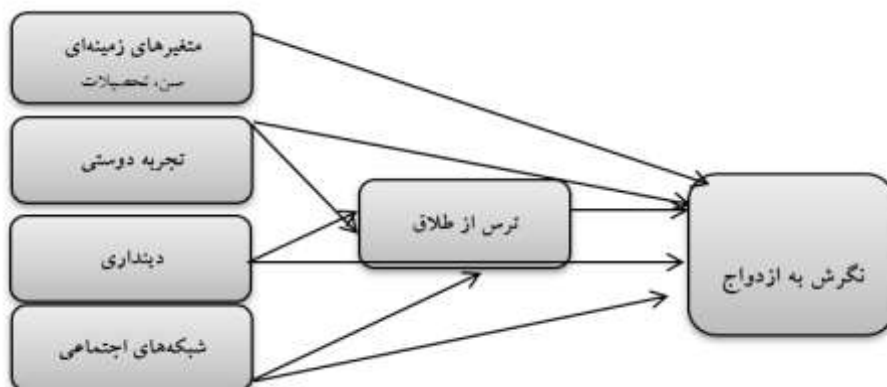
تغییرات فرهنگی اینگلهارت^۱ نیز چارچوب تئوریکی مناسبی برای تحلیل تغییرات نهاد خانواده و ازدواج پیش‌رو می‌گذارد. نظریه اینگلهارت نشأت گرفته از مفهوم فرهنگ به معنی مجموعه‌ای از ارزش‌ها و باورهاست. وی افت آمار ازدواج و نرخ پایین افراد ازدواج کرده را ناشی از جریان کلی حرکت از ارزش‌های مادی به سمت ارزش‌های فرامادی می‌داند. نظر اینگلهارت این بود که در جهان غرب، نظام ارزش‌های سنتی نوعی نظام اقتصادی و اجتماعی پایداری پدید آورد که آن هم به نوبه خود، منجر به توسعه سرمایه‌داری و رشد اقتصادی سریع گردید؛ و محصول این رونق اقتصادی این بود که ارزش‌های فرامادی جانشین ارزش‌های مادی شدند (اینگلهارت، ۱۳۸۲: ۵۹).

از نظر اینگلهارت، خانواده و به خصوص، تأکید بر ثبات خانواده، با نیاز انسان‌ها به امنیت و ایمنی مربوط است و لذا آن‌ها را می‌توان به عنوان ارزش‌های مادی گرایانه در نظر گرفت. اما زوج زیستی یا زندگی بدون شریک نشانه‌ای از زندگی فرامادی گرایانه با خود دارد (هامپلوا، ۲۰۰۳: ۶).

یکی از نظریات درخصوص رسانه، نظریه استفاده و خشنودی است. مهم‌ترین فرض نظریه استفاده و خشنودی این است که مخاطب از میان مجاری ارتباطی و محتوایی که به او عرضه می‌شود، دست به انتخابی آگاهانه و جهت‌دار می‌زند. بدین صورت که شرایط اجتماعی و ساختار روانی فرد مشترکاً بر عادات کلی استفاده از رسانه اثر می‌گذارد و هم‌چنین، اعتقاد و توقع او از نفعی که از رسانه می‌توان برد، نگرش به ازدواج و مصرف رسانه را توسط او شکل می‌دهد که قضاوت در باب ارزش تجربه استفاده از رسانه را به دنبال دارد و احتمالاً منجر به کاربرد فواید حاصل شده در سایر عرصه‌های تجربه و فعالیت اجتماعی خواهد شد (رشوند سرخکوله و وجدانی، ۱۴۰۱).

هر فرایند ارتباطی شامل سه بخش است: بخش اول: خود رسانه یا ابزار ارتباطی، بخش دوم: محتوای رسانه یا پیامی که رسانه بیان می‌کند، بخش سوم: مخاطب. درخصوص شدت تأثیرگذاری رسانه بر افراد، عوامل و متغیرهای بسیاری دخیل هستند که از آن جمله می‌توان به خود رسانه، محتوای رسانه و این‌که چه قابلیت‌هایی دارد و گستره و پوشش آن تا چه اندازه است، اشاره کرد. هم‌چنین در این خصوص ویژگی‌های شخصیتی، خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی مخاطب نیز بسیار حائز اهمیت است. بنابراین، می‌توان گفت تأثیر رسانه از یک‌سو به خود رسانه و محتوای آن و از سوی دیگر، به ویژگی‌های مخاطب اعم از سن، تحصیلات، اعتقادات و باورهای دینی و ارزشی او بستگی دارد. برای مثال، دین‌داری همواره به منزله سدی در برابر غریزه مطرح بوده است؛ به‌طوری که روستوسکی^۱ از آن به‌مثابه عامل کنترل غرایز یاد می‌کند. او معتقد است که دین‌داری، شروع ارضای غرایز جنسی را به تعویق می‌اندازد. نتایج تحقیق وی گویای آن است که در میان افرادی که نمره دین‌داری بیش‌تری دارند، روابط جنسی زودهنگام کم‌تر است (روستوسکی و همکاران، ۲۰۰۴، به نقل از رشوندسرخکوله و وجدانی، ۱۴۰۱).

بنابراین در تغییر ایده‌ها و ارزش‌هایی که در جامعه به وقوع می‌پیوندد، هم‌چون، تغییر نگرش نسبت به روابط میان دختر و پسر، تغییر در نگرش به ازدواج، تغییر و تحول در دین‌داری و نظایر اینها، غیر از نظریه گذار دوم جمعیتی، می‌توان به نظریه‌های فوق نیز مراجعه کرد. با توجه به پیشینه پژوهش و چارچوب نظری ارائه شده متغیرهای مطرح شده و نحوه ارتباط آن‌ها و تأثیرگذاری‌شان بر نگرش به ازدواج در مدل نظری زیر نشان داده شده است.



شکل ۱. مدل نظری تحقیق و ارتباط بین متغیرهای تحقیق

با توجه به چارچوب و مدل نظری فوق، در پژوهش حاضر فرضیات زیر مطرح و مورد بررسی قرار گرفته‌اند:

- بین سن دختران با نگرش به ازدواج رابطه وجود دارد.
- بین تحصیلات دختران با نگرش به ازدواج رابطه وجود دارد.
- بین ترس از طلاق با نگرش به ازدواج رابطه وجود دارد.
- بین تجربه دوستی با نگرش به ازدواج رابطه وجود دارد.
- بین دینداری با نگرش به ازدواج رابطه وجود دارد.
- بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی با نگرش به ازدواج رابطه وجود دارد.

۳. روش تحقیق

این پژوهش در زمره تحقیقات پیمایش مقطعی بوده و دارای ماهیت توصیفی - همبستگی است. جهت گردآوری داده‌ها از ابزار پرسشنامه ساخت‌یافته استفاده شده که در سال ۱۴۰۲ به انجام رسیده است. جهت بررسی روایی پرسشنامه پژوهش، از روش اعتبار صوری و نظرخواهی از متخصصان و

هم‌چنین تحلیل عاملی و جهت بررسی پایایی پرسشنامه پژوهش، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق شامل دختران مجرد (هرگز ازدواج نکرده یا هنوز ازدواج نکرده) ۳۴-۲۰ ساله ساکن شهر تهران در سه منطقه ۳، ۸ و ۱۵ است.

مناطق بیست‌ودوگانه شهر تهران از نظر سطح برخورداری و کیفیت زندگی به سه منطقه اصلی تقسیم می‌شوند: منطقه توسعه‌یافته (برخوردار)، منطقه توسعه‌یافتگی متوسط (نیمه‌برخوردار) و منطقه توسعه‌نیافته (کم‌برخوردار) (احمدی و جهانگرد، ۱۴۰۰). با توجه به این‌که مطالعه کل مناطق بیست‌ودوگانه شهر تهران بسیار زمان‌بر و پرهزینه است، بنابراین، از بین مناطق بیست‌ودوگانه شهر تهران، از هر یک از سه منطقه اصلی، یک منطقه به شیوه تصادفی ساده انتخاب شده است. منطقه ۳ به‌عنوان منطقه توسعه‌یافته (برخوردار)، منطقه ۸ به‌عنوان منطقه‌ای با توسعه‌یافتگی متوسط (نیمه‌برخوردار) و منطقه ۱۵ به‌عنوان منطقه توسعه‌نیافته (کم‌برخوردار) در نظر گرفته شده است.

بنابراین، جامعه آماری تحقیق شامل دختران مجرد ۳۴-۲۰ ساله ساکن شهر تهران در سه منطقه ۳، ۸ و ۱۵ است. براساس آخرین سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵، تعداد دختران مجرد یا هنوز ازدواج نکرده در این سه منطقه برابر با ۷۰۵۵۴ نفر بوده است (جدول ۱).

تعداد نمونه مورد مطالعه در این پژوهش با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۲ نفر برآورد گردید. شیوه نمونه‌گیری ترکیبی از طبقه‌بندی چندمرحله‌ای و تصادفی ساده بوده است. بدین‌صورت که ابتدا جمعیت دختران مجرد در سه منطقه سه، هشت و پانزده (۷۰۵۵۴ نفر) در نظر گرفته شد. در ادامه به تناسب جمعیت در هر منطقه تعداد نمونه در آن منطقه مشخص گردید؛ به گونه‌ای که، از کل جمعیت جامعه آماری، ۳۴/۷ درصد آنان در منطقه سه، ۳۳/۲ درصد در منطقه هشت و ۳۲/۱ درصد در منطقه پانزده قرار داشتند. بنابراین از روی توزیع درصد در هر منطقه توزیع جمعیت در آن منطقه محاسبه گردید. بنابراین تعداد نمونه در منطقه سه ۱۳۲ نفر، در منطقه هشت ۱۲۷ نفر و در منطقه پانزده ۱۲۳ نفر برآورد گردید (جدول ۱).

جدول ۱. توزیع جمعیت ۲۰-۳۴ ساله دختران مجرد براساس مناطق ۳، ۸ و ۱۵ شهر تهران، ۱۳۹۵

منبع: پردازش از داده‌های سرشماری شهر تهران، ۱۳۹۵

مناطق	ساله ۲۴-۲۰	ساله ۲۹-۲۵	ساله ۳۴-۳۰	کل جمعیت	توزیع درصد	توزیع جمعیت
منطقه ۳	۸۹۷۵	۸۵۸۳	۶۹۳۵	۲۴۴۹۳	۳۴/۷	۱۳۲
منطقه ۸	۹۱۸۷	۸۲۸۶	۵۹۶۲	۲۳۴۳۵	۳۳/۲	۱۲۷
منطقه ۱۵	۱۰۲۷۷	۷۳۲۸	۵۰۲۱	۲۲۶۲۶	۳۲/۱	۱۲۳
کل	۲۸۴۳۹	۲۴۱۹۷	۱۷۹۱۸	۷۰۵۵۴	۱۰۰/۰	۳۸۲

در ادامه از روی توزیع درصد در هر گروه سنی توزیع جمعیت نمونه در آن گروه سنی محاسبه گردید. بدین ترتیب که در منطقه سه، ۳۶/۶ درصد دختران مجرد در گروه سنی ۲۰-۲۴ ساله، ۳۵ درصد در گروه سنی ۲۵-۲۹ ساله و ۲۸/۳ درصد دختران مجرد در گروه سنی ۳۰-۳۴ ساله قرار داشتند، بنابراین از ۱۳۲ نفر نمونه منطقه سه، ۴۸ نفر به گروه سنی ۲۰-۲۴ ساله، ۴۶ نفر به گروه سنی ۲۵-۲۹ ساله و ۳۷ نفر به گروه سنی ۳۰-۳۴ ساله اختصاص پیدا کرد. بدین ترتیب نمونه ۱۳۲ نفری ما در منطقه سه تکمیل گردیده است. به همین ترتیب در دو منطقه دیگر (منطقه ۸ و منطقه ۱۵)، از روی توزیع درصد در هر گروه سنی توزیع جمعیت نمونه در آن گروه سنی محاسبه گردید (جدول ۲). برای تکمیل پرسشنامه‌ها از روش تصادفی خوشه‌ای استفاده شده است. بدین صورت که از هر منطقه یک خیابان اصلی انتخاب گردید، از هر خیابان به‌طور تصادفی ساده یک کوچه انتخاب گردید. سپس با مراجعه به درب منزل در صورت وجود دختران مجرد که حاضر به مصاحبه بودند، پرسشنامه تکمیل گردید.

جدول ۲. توزیع نمونه تحقیق حسب گروه‌های سنی و مناطق ۳، ۸ و ۱۵ شهر تهران، ۱۳۹۵

منبع: پردازش از داده‌های سرشماری شهر تهران، ۱۳۹۵

مناطق	ساله ۲۴-۲۰	ساله ۲۹-۲۵	ساله ۳۴-۳۰	کل
منطقه ۳	۴۸	۴۶	۳۷	۱۳۲
منطقه ۸	۵۰	۴۵	۳۲	۱۲۷
منطقه ۱۵	۵۶	۴۰	۲۸	۱۲۳
کل	۱۵۴	۱۳۱	۹۷	۳۸۲

در این پژوهش، متغیرهای دینداری، استفاده از شبکه‌های اجتماعی، ترس از طلاق، تجربه دوستی، سن و تحصیلات متغیرهای مستقل به شمار می‌روند. متغیر وابسته نیز، نگرش به ازدواج است. جهت سنجش متغیر نگرش به ازدواج از ۹ گویه (اولویت داشتن ادامه تحصیل بر ازدواج، اولویت داشتن اشتغال بر ازدواج، داشتن زندگی مشترک دختر و پسر بدون ازدواج، ازدواج سنگ‌بنا و اساس خانواده، بهتر است فرد دیر ازدواج کند، لذت بردن از دوره مجردی به جای ازدواج، ازدواج پاسخی به نیازهای عاطفی و روحی، خوشحال‌تر بودن افراد مجرد از افراد ازدواج کرده و ترجیح دادن مجردی تا آخر عمر) استفاده شده است. این سؤالات در قالب طیف لیکرت پنج گزینه‌ای از کاملاً مخالفم با کد یک تا کاملاً موافقم با کد پنج بوده است. مطابق نتایج جدول ۳، مقدار استاندارد شده آلفای کرونباخ برای متغیر نگرش به ازدواج برابر با ۰/۸۲۷ است. هم‌چنین، جهت سنجش روایی گویه‌های متغیر نگرش به ازدواج از روش اعتبار صوری و نظرخواهی از متخصصان و هم‌چنین تحلیل عاملی استفاده شده است. با توجه به نتایج جدول ۳، گویه‌های مدنظر قابل تقلیل به یک عامل زیربنایی هستند. در نتیجه، گویه‌های مربوط به متغیر نگرش به ازدواج از میزان روایی و پایایی خوبی جهت سنجش این متغیر برخوردار هستند (جدول ۳). در نهایت ۹ گویه ذکر شده با هم جمع شده و متغیر نگرش به ازدواج که متغیری در مقیاس شبه‌فاصله‌ای است، به دست آمده است. نمره بالاتر به معنای نگرش مثبت به ازدواج و نمره پایین به معنای نگرش منفی به ازدواج است.

جهت سنجش متغیر دینداری، از ۹ گویه (شرکت در هیئت‌های مذهبی، شرکت در مجالس دعا، شرکت در جشن‌ها و اعیاد مذهبی، شرکت در نماز جماعت، خواندن نمازهای یومیه به‌طور کامل، مقید به گرفتن روزه، مقید به دادن خمس و زکات در صورتی که بر من واجب باشد، مقید به رعایت حجاب و پوشش مناسب و مقید به انجام غسل واجب) استفاده شده است. این سؤالات در قالب طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای از اصلاً با کد یک تا همیشه با کد پنج بوده است. ضریب آلفای کرونباخ برای متغیر دینداری برابر با ۰/۹۶۹ است. جهت سنجش روایی گویه‌های متغیر دینداری از روش اعتبار صوری و نظرخواهی از متخصصان و هم‌چنین تحلیل عاملی استفاده شده است. با توجه به نتایج جدول ۳، گویه‌های مدنظر قابل تقلیل به یک عامل زیربنایی هستند. در نتیجه، گویه‌های مربوط به متغیر دینداری از میزان روایی و پایایی خوبی جهت سنجش این متغیر برخوردار هستند (جدول ۳). در نهایت ۹ گویه ذکر شده با هم جمع شده و متغیر دینداری که متغیری در مقیاس شبه‌فاصله‌ای است، به دست آمده است. نمره بالاتر به معنای دینداری بیش‌تر و نمره پایین به معنای دینداری کم‌تر است.

جهت سنجش متغیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی از دختران پرسیده شده است که: چند ساعت در روز از شبکه‌های اجتماعی هم‌چون تلگرام، اینستاگرام، واتساپ، تیک‌تاک، فیس‌بوک و... استفاده می‌کنید؟ بنابراین متغیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی دارای مقیاس نسبی است.

جهت سنجش متغیر ترس از طلاق، از ۶ گویه (وقتی به ازدواج فکر می‌کنم، به یاد دوستان طلاق گرفته‌ام می‌افتم و استرس می‌گیرم، بخش زیادی از دغدغه‌های من نگرانی از این است که نتوانم ازدواج موفق داشته باشم، فکر می‌کنم برای ازدواج باید شرایط زیادی بگذارم تا از نگرانی‌هایم بابت عاقبت زندگی مشترک، خیالم راحت شود، به نظرم بیش‌تر ازدواج‌های امروزی عاقبت خوشی ندارد، امروزه به‌خاطر احتمال بالای طلاق، جوانان از خیر ازدواج می‌گذرند و بیش‌تر دوستان من مدت کوتاهی پس از ازدواج، طلاق گرفته‌اند) استفاده شده است. این سؤالات در قالب طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای از کاملاً مخالفم با کد یک تا کاملاً موافقم با کد پنج بوده است. ضریب آلفای کرونباخ برای

متغیر ترس از طلاق برابر با ۰/۷۸۶ است. جهت سنجش روایی گویه‌های متغیر ترس از طلاق از روش اعتبار صوری و نظرخواهی از متخصصان و هم‌چنین، تحلیل عاملی استفاده شده است. با توجه به نتایج جدول ۳، گویه‌های مدنظر قابل تقلیل به یک عامل زیربنایی هستند. در نتیجه، گویه‌های مربوط به متغیر ترس از طلاق از میزان روایی و پایایی خوبی جهت سنجش این متغیر برخوردار هستند (جدول ۳). در نهایت ۶ گویه ذکر شده با هم جمع شده و متغیر ترس از طلاق که متغیری در مقیاس شبه‌فاصله‌ای است، به دست آمده است. نمره بالاتر به معنای ترس از طلاق بیش‌تر و نمره پایین به معنای ترس از طلاق کم‌تر است.

جهت سنجش متغیر تجربه دوستی از دختران پرسیده شد که: آیا با جنس مخالف تجربه دوستی داشته‌اید؟ پاسخ بله با کد یک و پاسخ خیر با کد صفر مشخص شده است. بنابراین، متغیر تجربه دوستی در مقیاس اسمی دوارزشی است. جهت سنجش متغیر سن از دختران پرسیده شد که چند سال دارند؟ بنابراین متغیر سن دارای مقیاس فاصله‌ای است. متغیر تحصیلات نیز به دو صورت مورد پرسش قرار گرفته است. در مقیاس ترتیبی (زیردیپلم و دیپلم با کد یک، کاردانی با کد دو، کارشناسی با کد سه و کارشناسی‌ارشد و بالاتر با کد چهار)، و در مقیاس فاصله‌ای با پرسش از تعداد کلاس‌هایی که فرد به صورت رسمی در مدارس و دانشگاه‌ها درس خوانده است.

جدول ۳. تعداد، اعتبار و ضریب پایایی گویه‌های متغیرهای پژوهش

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۲

مقدار آلفای کرونباخ	تحلیل عاملی		تعداد گویه‌ها	نام متغیر
	آزمون بارتلت	مقدار کیزر-مایر-الکین ^۱		
۰/۸۲۷	۱۸۷۴/۵۱۲	۰/۸۵۲	۹	نگرش به ازدواج
۰/۹۶۹	۲۳۵۴/۶۲۱	۰/۹۴۳	۹	دینداری
۰/۷۸۶	۱۷۲۸/۴۳۶	۰/۷۳۹	۶	ترس از طلاق

جهت آزمون روابط دو متغیره بین متغیر وابسته تحقیق که شبه فاصله ای است (نگرش به ازدواج) و متغیرهای مستقلی که در مقیاس نسبی، فاصله ای و شبه فاصله ای هستند (دینداری، استفاده از شبکه های اجتماعی، ترس از طلاق، سن و تحصیلات) از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. هم چنین، جهت سنجش رابطه دو متغیره بین متغیر وابسته تحقیق و متغیر تجربه دوستی که در مقیاس اسمی دو ارزشی است، از آزمون T با دو نمونه مستقل استفاده شده است. جهت سنجش تحلیل چندمتغیره بین متغیر وابسته و متغیرهای مستقل، از آزمون رگرسیون خطی چندمتغیره و تحلیل مسیر استفاده شده است.

۴. یافته های تحقیق

توزیع نمونه تحقیق بر حسب گروه های سنی حاکی از آن است که ۱۵۴ نفر معادل ۴۰/۳ درصد در گروه سنی ۲۰-۲۴ ساله، ۱۳۱ نفر معادل ۳۴/۳ درصد در گروه سنی ۲۵-۲۹ ساله و ۹۷ نفر معادل ۲۵/۴ درصد در گروه سنی ۳۰-۳۴ ساله قرار دارند. لازم به ذکر است که تقسیم بندی نمونه آماری در گروه های سنی مختلف با توجه به نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵ شهر تهران است. بنابراین، کاملاً منطبق با نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵ شهر تهران است. میانگین سنی نمونه تحقیق ۲۶/۰ سال است. ۵۰ نفر معادل ۱۳/۱ درصد نمونه تحقیق دارای تحصیلات زیردیپلم و دیپلم هستند. ۷۳ نفر معادل ۱۹/۱ درصد تحصیلات کاردانی دارند. ۱۵۲ نفر معادل ۳۹/۸ درصد نمونه تحقیق تحصیلات کارشناسی دارند و ۱۰۷ نفر معادل ۲۸/۰ درصد تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر دارند. بنابراین، حدود ۶۸ درصد نمونه تحقیق دارای تحصیلات کارشناسی و کارشناسی ارشد و بالاتر هستند.

نتایج تحلیل دومتغیره متغیرهای پژوهش در جداول ۴ و ۵ آمده است. مطابق یافته های جدول ۴ رابطه آماری معناداری بین تحصیلات با نگرش به ازدواج مشاهده نشد. سایر متغیرهای تحقیق رابطه معناداری با نگرش به ازدواج دارند. این رابطه در سن و دینداری مثبت و در ترس از طلاق و استفاده از شبکه های اجتماعی منفی است؛ بدین معنا که هرچه میزان دینداری و سن پاسخگویان بالاتر

می‌رود، نگرش مثبت به ازدواج افزایش می‌یابد. از سویی دیگر هرچه ترس از طلاق و استفاده از شبکه‌های اجتماعی افزایش می‌یابد، نگرش مثبت به ازدواج کاهش می‌یابد.

جدول ۴. رابطه بین برخی متغیرهای مستقل و نگرش به ازدواج

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۲

سطح معناداری	ضریب همبستگی	برخی متغیرهای مستقل
۰/۰۱۷	۰/۱۹۲	سن
۰/۱۴۲	۰/۰۹۴	تحصیلات
۰/۰۰۲	-۰/۲۳۶	ترس از طلاق
۰/۰۰۰	۰/۳۹۷	دینداری
۰/۰۰۰	-۰/۳۴۸	استفاده از شبکه‌های اجتماعی

جدول شماره ۵، رابطه بین متغیر وابسته و متغیر مستقل تجربه دوستی را نشان می‌دهد. درخصوص رابطه بین تجربه دوستی و نگرش به ازدواج، نتایج آزمون t ($t= ۸/۹۲۱$ و $Sig=۰/۰۰۷$) گویای آن است که میانگین‌های دو گروه دخترانی که تجربه دوستی داشته و دخترانی که تجربه دوستی نداشته تفاوت معناداری با یکدیگر داشته و این دو گروه با سطح اطمینان ۹۹ درصد در میانگین نمره نگرش به ازدواج با هم تفاوت دارند. میانگین نمره نگرش به ازدواج برای دخترانی که تجربه دوستی داشته برابر با $۳۵/۶۸۸۵$ و میانگین نمره نگرش به ازدواج برای دخترانی که تجربه دوستی نداشته برابر با $۳۸/۰۶۸۳$ است. همان‌گونه که مشاهده می‌گردد، میانگین نمره نگرش به ازدواج در بین دخترانی که تجربه دوستی نداشته بیش از دخترانی است که تجربه دوستی داشته‌اند و اختلاف این میانگین برابر با $۲/۳۷۹۸۱$ است. بنابراین دخترانی که تجربه دوستی نداشته‌اند، نگرش مثبت‌تری به ازدواج دارند.

جدول ۵. آزمون T با دو نمونه مستقل بین متغیر تجربه دوستی و نگرش به ازدواج

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۲

متغیر	طبقات متغیر	میانگین نگرش به ازدواج	تفاوت میانگین	آزمون T	سطح معناداری
تجربه دوستی	بله	۳۵/۶۸۸۵	۲/۳۷۹۸۱	۸/۹۲۱	۰/۰۰۷
	خیر	۳۸/۰۶۸۳			

برای بررسی تأثیر همزمان تمامی متغیرهای تحقیق بر نگرش به ازدواج از تکنیک رگرسیون خطی چندمتغیره استفاده شده است. جهت فهم دقیق‌تر، این تحلیل در قالب دو مدل آورده شده است. در مدل اول متغیرهای زمینه‌ای شامل سن و تحصیلات وارد معادله گردیده است. در مدل دوم علاوه بر متغیرهای زمینه‌ای، چهار متغیر ترس از طلاق، تجربه دوستی، استفاده از شبکه‌های اجتماعی و دینداری وارد مدل شده و تأثیر همزمان تمامی متغیرها بر روی متغیر وابسته آزمون شده است. لازم به ذکر است پیش‌فرض‌های رگرسیون مانند آماره دوربین و اتسون و آماره تورم واریانس (VIF) محاسبه گردید. بررسی استقلال خطاها با استفاده از آزمون دوربین-واتسون صورت گرفت. مقدار این آماره برای مدل برابر با ۲/۰۹ بود. همچنین آماره تورم واریانس (VIF) انجام شد و عدد به دست آمده کم‌تر از ۲ بود، که نشان می‌دهد میزان هم‌خطی بین متغیرهای مستقل نگران‌کننده نیست. بنابراین شرایط استفاده از رگرسیون خطی چندمتغیره جهت تحلیل و آزمون چندمتغیره فراهم شده است.

در مدل اول متغیرهای سن و تحصیلات وارد معادله گردیده است. متغیر سن رابطه معناداری با نگرش به ازدواج دارد. مقدار بتای به دست آمده برای این متغیر مثبت است؛ این بدین معناست که با افزایش سن دختران، نگرش مثبت آنان به ازدواج افزایش می‌یابد. رابطه آماری معناداری بین تحصیلات با نگرش به ازدواج مشاهده نشد. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰/۰۵۲ است و نشان دهنده این است که متغیر سن توانسته است ۵/۲ درصد تغییرات متغیر وابسته (نگرش به ازدواج) را تبیین کند (جدول ۶).

در مدل دوم علاوه بر متغیرهای زمینه‌ای، چهار متغیر ترس از طلاق، تجربه دوستی، استفاده از شبکه‌های اجتماعی و دینداری وارد مدل شده و تأثیر همزمان تمامی متغیرها بر روی متغیر وابسته آزمون شده است. نتایج حاکی از آن است که به جز متغیر تحصیلات، سایر متغیرهای پژوهش رابطه آماری معناداری با نگرش به ازدواج دارند. این رابطه در سن و دینداری مثبت و در ترس از طلاق، تجربه دوستی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی منفی است؛ بدین معنا که هرچه میزان دینداری و سن پاسخگویان بالاتر می‌رود، نگرش مثبت به ازدواج افزایش می‌یابد. از سویی دیگر هرچه ترس از طلاق، داشتن تجربه دوستی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی افزایش می‌یابد، نگرش مثبت به ازدواج کاهش می‌یابد (جدول ۶).

جدول ۶. تحلیل چندمتغیره متغیرهای پژوهش با نگرش به ازدواج با استفاده از رگرسیون خطی چندمتغیره

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۲

مدل ۲			مدل ۱			متغیرهای مستقل
sig	T	Beta	sig	T	Beta	
۰/۰۱۴	۲/۴۷۴	۰/۱۹۶	۰/۰۱۶	۲/۴۷۱	۰/۲۰۴	سن
۰/۱۸۲	۱/۳۳۸	۰/۰۸۱	۰/۱۲۸	۱/۵۷۳	۰/۰۹۶	تحصیلات
۰/۰۰۵	-۲/۸۶۴	-۰/۲۴۵				ترس از طلاق
۰/۰۰۲	-۳/۴۷۶	-۰/۲۸۴				تجربه دوستی (بله=۱، خیر=۰)
۰/۰۰۰	-۴/۷۵۹	-۰/۳۷۹				استفاده از شبکه‌های اجتماعی
۰/۰۰۰	۶/۹۸۷	۰/۴۹۸				دینداری
	Enter			Enter		Method
	۰/۶۴۸			۰/۲۳۱		R
	۰/۳۴۹			۰/۰۵۲		Adjusted R Square
	۲۱/۷۳۹			۶/۷۶۸		F
	۰/۰۰۰			۰/۰۰۱		Sig

مقدار ضریب تعیین تعدیل شده برابر با $0/349$ است و نشان دهنده این است که متغیرهای تحقیق توانسته‌اند حدود ۳۵ درصد تغییرات متغیر وابسته (نگرش به ازدواج) را تبیین کنند. همان گونه که مشاهده می‌شود مقدار ضریب تعیین تعدیل شده با ورود این چهار متغیر حدود ۳۰ درصد افزایش یافته (از $5/2$ درصد به $34/9$ درصد) است که این امر حاکی از اهمیت چهار متغیر ترس از طلاق، تجربه دوستی، استفاده از شبکه‌های اجتماعی و دینداری است. متغیر دینداری با ضریب $0/498$ ، متغیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی با ضریب $0/379$ ، متغیر تجربه دوستی با ضریب $0/284$ ، متغیر ترس از طلاق با ضریب $0/245$ و متغیر سن با ضریب $0/196$ ، به ترتیب، قوی ترین پیش‌بینی کننده‌های نگرش به ازدواج هستند (جدول ۶).

با توجه به مدل نظری تحقیق و به منظور بررسی اثر متغیرهای مستقل مطالعه بر ترس از طلاق، متغیرهای تجربه دوستی، استفاده از شبکه‌های اجتماعی و دینداری، هم‌زمان وارد مدل رگرسیونی خطی چندمتغیره شدند. مطابق با نتایج جدول ۷ متغیرهای تجربه دوستی با ضریب رگرسیونی استاندارد ($0/247$)، استفاده از شبکه‌های اجتماعی با ضریب ($0/365$) و دینداری با ضریب ($0/317$) با متغیر ترس از طلاق ارتباط معنادار نشان دادند. مطابق با نتایج، دخترانی که تجربه دوستی داشته‌اند، ترس از طلاق بیش‌تری دارند. هرچه استفاده از شبکه‌های اجتماعی افزایش یابد، ترس از طلاق نیز افزایش می‌یابد و هرچه دینداری بیش‌تر باشد، ترس از طلاق کاهش می‌یابد. متغیرهای تحقیق توانسته‌اند حدود ۳۱ درصد تغییرات ترس از طلاق دختران را تبیین کنند. متغیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی با ضریب $0/365$ ، متغیر دینداری با ضریب $0/317$ و متغیر تجربه دوستی با ضریب $0/247$ به ترتیب قوی ترین پیش‌بینی کننده‌های ترس از طلاق هستند (جدول ۷).

جدول ۷. تحلیل چندمتغیره متغیرهای پژوهش با ترس از طلاق با استفاده از رگرسیون خطی چندمتغیره

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۲

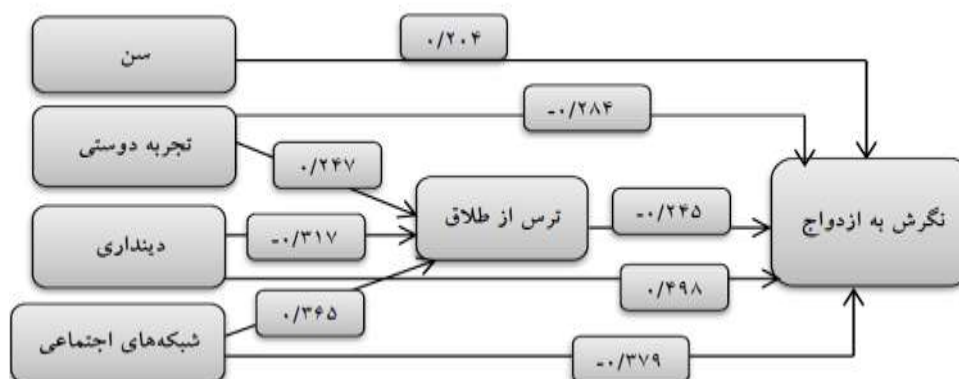
متغیرهای مستقل	B	Beta	T	sig
تجربه دوستی (بله=۱، خیر=۰)		۰/۲۴۷	۲/۴۱۸	۰/۰۳۲
استفاده از شبکه‌های اجتماعی		۰/۳۶۵	۵/۲۳۴	۰/۰۰۱
دینداری		-۰/۳۱۷	-۳/۱۶۵	۰/۰۰۲
Method	Enter			
R	۰/۶۱۴			
Adjusted R Square	۰/۳۰۹			
F	۱۸/۷۲۸			
sig	۰/۰۰۰			

جدول ۸. جمع اثرات متغیرهای مستقل پژوهش بر نگرش به ازدواج

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۲

متغیر	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	کل اثر
سن	۰/۲۰۴	-	۰/۲۰۴
تجربه دوستی	-۰/۲۸۴	تجربه دوستی ← ترس از طلاق (۰/۲۴۷) ترس از طلاق ← نگرش به ازدواج (-۰/۲۴۵) کل اثر غیرمستقیم: (-۰/۲۴۵) × (۰/۲۴۷) = (-۰/۰۶۱)	-۰/۳۴۵
شبکه‌های اجتماعی	-۰/۳۷۹	شبکه‌های اجتماعی ← ترس از طلاق (۰/۳۶۵) ترس از طلاق ← نگرش به ازدواج (-۰/۲۴۵) کل اثر غیرمستقیم: (-۰/۲۴۵) × (۰/۳۶۵) = (-۰/۰۸۹)	-۰/۴۶۸
دینداری	۰/۴۹۸	دینداری ← ترس از طلاق (-۰/۳۱۷) ترس از طلاق ← نگرش به ازدواج (-۰/۲۴۵) کل اثر غیرمستقیم: (-۰/۲۴۵) × (-۰/۳۱۷) = (۰/۰۷۸)	۰/۵۷۶
ترس از طلاق	-۰/۲۴۵	-	-۰/۲۴۵

جدول ۸ مجموع اثرات متغیرهای مستقل معنادار را در مدل تحلیل مسیر پژوهش نشان می‌دهد. مطابق یافته‌ها، متغیرهای ترس از طلاق، تجربه دوستی، استفاده از شبکه‌های اجتماعی، دینداری و سن بر نگرش دختران به ازدواج اثرگذار بودند. نکته قابل توجه، اثرگذاری تجربه دوستی، استفاده از شبکه‌های اجتماعی و دینداری بر ترس از طلاق و واسطه بودن ترس از طلاق برای اثرگذاری این سه متغیر بر نگرش به ازدواج دختران مورد مطالعه است. این مورد در نمودار ۲ نیز به صورت دیاگرام مسیر نشان داده شده است.



شکل ۲. مدل تجربی تحقیق و ارتباط بین متغیرهای تحقیق

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۲

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

کاهش نگرش مثبت به ازدواج در میان نسل جدید، یکی از نگرانی‌های صاحب‌نظران و سیاست‌گذاران حوزه فرهنگ و خانواده است. این مسئله می‌تواند حاصل مسائل و مشکلات گوناگونی باشد. در تحقیق حاضر، رابطه میان متغیرهای: استفاده از شبکه‌های اجتماعی، ترس از طلاق، تجربه دوستی (با جنس مخالف) و دینداری با متغیر نگرش به ازدواج مورد بررسی قرار گرفت.

براساس یافته‌ها، میانگین نمره نگرش به ازدواج در بین دخترانی که تجربه دوستی نداشته‌اند، بیش از دخترانی است که تجربه دوستی داشته‌اند. به عبارت دیگر، دخترانی که تجربه دوستی نداشته‌اند، نگرش مثبت‌تری به ازدواج دارند. این یافته همسو با یافته خلج‌آبادی‌فراهانی و شجاعی (۱۳۹۲) و گاقان (۲۰۰۲) است. گرچه برخی تحقیقات نیز بیش‌تر بر اثرات منفی تجربه جنسی بر افزایش سن ازدواج تأکید کرده‌اند (خلج‌آبادی‌فراهانی و همکاران، ۱۳۹۲). به نظر می‌رسد دخترانی که ترجیح می‌دهند سال‌های اولیه جوانی را به جای ازدواج و تشکیل خانواده، با دوستی‌ها و تجارب متنوع پر کنند درواقع، نیازهای خود را کم و بیش از طرق دیگر و البته پرخطرتری پاسخ می‌دهند و لذا ممکن است ضرورت در پیش گرفتن ازدواج رسمی یا فوریت آن را کم‌تر احساس کنند. هم‌چنین، جوانانی که ملاک‌های خاصی برای ازدواج دارند، هم‌چون رابطه طولانی قبل از ازدواج به بهانه شناخت، و یا ضرورت تجربه عشق قبل از ازدواج، بیش‌تر به سوی دوستی می‌روند و ازدواج را به تأخیر می‌اندازند و البته سخت‌گیری بیش‌تری برای انتخاب همسر به خرج خواهند داد.

یکی دیگر از یافته‌ها، وجود رابطه مثبت معنادار میان دینداری با نگرش به ازدواج بود. این یافته همسو با یافته‌های (رشوندسرخکوله ۱۳۹۷؛ سرایی و اجاقلو ۱۳۹۲) است. خلج‌آبادی‌فراهانی (۱۴۰۰) نیز پابیندگی مذهبی را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین تعیین‌کننده‌های ازدواج برای جوانان گزارش کرده است. آموزه‌های دینی، با سوق دادن جوانان به سوی ازدواج به موقع، و تأمین نیازهای عاطفی و جنسی صرفاً در چارچوب ازدواج، و اعلام ممنوعیت روابط عاطفی یا جنسی افراد در خارج از چارچوب شرع و حتی با تشویق و تحسین افراد متأهل، انگیزه‌بخش جوانان جهت ازدواج است. درحالی‌که در نقطه مقابل، و همان‌گونه که این تحقیق نیز نشان داد، استفاده از شبکه‌های اجتماعی، نگرش مثبت به ازدواج را کاهش می‌دهد؛ چراکه زندگی با سبک مدرن، روابط آزاد، تنوع پارتnerها و رابطه بدون تعهد را در میان جوانان اشاعه می‌دهد. شهانواز و همکاران (۱۳۹۹) نیز تأثیر رسانه‌های

جمعی و شبکه‌های اجتماعی را بر تغییر نگرش و مجرد جوانان مورد تأکید قرار دادند. سرایی و اجاقلو (۱۳۹۲) نیز دریافته‌اند که تجربه جهانی شدن، رابطه معکوس و منفی با ارزش ازدواج دارد. یکی دیگر از یافته‌ها، وجود رابطه منفی میان ترس از طلاق و نگرش به ازدواج بود؛ بدین معنا که هرچه ترس از طلاق افزایش یابد، نگرش مثبت به ازدواج کاهش می‌یابد. در تبیین این یافته می‌توان گفت ازدواج یک تصمیم مهم برای هر جوانی است و انسان به عنوان یک موجود عاقل که محاسبه هزینه-فایده می‌کند، زمانی که دل‌نگرانی زیادی درمورد پایداری زندگی مشترک داشته باشد، هزینه‌های عاطفی-روانی، سرمایه مادی و همین‌طور، زمان و عمر خود را صرف آن نمی‌کند یا حداقل دچار تردید شده، این تصمیم را به تأخیر خواهد انداخت. برعکس، دلگرمی، امید و اطمینان‌خاطر، این شرایط را تأمین می‌کند که جوان مسیری را که درست می‌داند، بدون تزلزل فکری و نگرانی پیگیری کند.

در بخش دیگری از تحقیق، زمانی که متغیرهای زمینه‌ای شامل سن و تحصیلات وارد معادله شد، رابطه آماری معناداری بین تحصیلات با نگرش به ازدواج مشاهده نشد؛ یافته‌ای که همسو با یافته سیاح و همکاران (۱۳۹۷) و کیان‌پور و همکاران (۱۴۰۲) بود، اما متغیر سن رابطه معناداری با نگرش به ازدواج دارد؛ بدین معنا که با افزایش سن دختران، نگرش مثبت آنان به ازدواج افزایش می‌یابد. به نظر می‌رسد که اوایل دوره جوانی، فرصت محدودی است که دخترها همزمان برای ادامه تحصیل، رشد شخصی، ازدواج و حتی ورود به دنیای کار در اختیار دارند. تحت تأثیر مدرنیته و افزایش فردگرایی و تمایل به برابری در میان دخترهای نسل جدید، بخش قابل توجهی از دخترها ممکن است در رقابت این موارد، ادامه تحصیل و رشد شخصی و استقلال اقتصادی را در اولویت قرار دهند، و البته با افزایش سن و پس از دستیابی نسبی به خواسته‌های پیش گفته و از طرفی با سپری شدن سن تنوع‌طلبی و هیجان‌خواهی و ورود به شرایط فکری پخته‌تر بعدی و تمایل به سامان‌یابی زندگی، بیش‌تر به فکر ازدواج بیفتند. از سوی دیگر، ممکن است پس از تجربه دوستی‌های متعدد که به دلیل ناپایداری، ناکامی‌های متعدد و آسیب‌های روحی روانی را نیز در پی دارد، ترجیح دهند

که وارد مسیر ازدواج شوند و روابط پایدارتری را برای ادامه زندگی و یافتن ثبات در زندگی شکل دهند.

از سوی دیگر نتایج تحلیل مسیر بیانگر نقش میانجی و واسطه‌ای ترس از طلاق در ارتباط با تأثیرگذاری متغیرهای استفاده از شبکه‌های اجتماعی، دینداری و تجربه دوستی بر نگرش دختران به ازدواج بود. دخترانی که تجربه دوستی داشته‌اند، ترس از طلاق بیش‌تری دارند. هرچه استفاده از شبکه‌های اجتماعی افزایش یابد، ترس از طلاق نیز افزایش می‌یابد و هرچه دینداری بیش‌تر باشد، ترس از طلاق کاهش می‌یابد. در تبیین این یافته، می‌توان به این نکته اشاره کرد که استفاده از شبکه‌های مجازی، مشوق رابطه دوستی است و رابطه دوستی به‌ویژه دوستی‌های متعدد و روابط پیشرفته، ولی موقتی که با ناپایداری‌ها و شکنندگی‌های زیادی مواجه است، با ایجاد بدبینی و بی‌اعتمادی به جنس مخالف (کلاتری و همکاران، ۱۳۹۰) و پیش‌بینی مشکلات پس از ازدواج، ترس از طلاق را افزایش می‌دهد و دینداری، از سویی با سامان دادن به روابط با جنس مخالف در دوران مجردی و تأمین سلامت معنوی، اخلاقی و جنسی و از سوی دیگر، با پایه‌ریزی روابط سالم و داخل چارچوب در میان زوجین از سوی دیگر، اطمینان و آرامش را در میان زوجین حاکم می‌کند و نگرانی و ترس از طلاق را کاهش می‌دهد و از این رهگذر، نگرش و تمایل به ازدواج را تقویت می‌کند.

با توجه به یافته‌ها، آموزش‌های لازم جهت مدیریت مصرف رسانه و تقویت سواد رسانه‌ای در بین کودکان، نوجوانان و جوانان (در مدرسه و دانشگاه)؛ و نیز تقویت دینداری از اوان دوران کودکی (در دامان خانواده) و سپس اهتمام به آن توسط نهادهای رسمی و غیررسمی هم‌چون: مهدهای کودک، مدارس، رسانه‌ها و حتی دانشگاه‌ها توصیه می‌شود.

۶. تعارض منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تعارض منافی با شخص یا سازمانی ندارند.

کتابنامه

۱. آزادارمکی، م.ت؛ و ملکی، ا. (۱۳۸۶). تحلیل ارزش‌های سنتی و مدرن در سطوح خرد و کلان. *نامه علوم اجتماعی*، ۳۰ (۱۶۷۷)، ۹۷-۱۲۲.
۲. آقامحمدیان‌شعرباف، ح.ر؛ و نیمروزی، ف. (۱۳۸۵). بررسی مقایسه‌ای رضایتمندی زندگی زناشویی در دانشجویان با و بدون روابط غیررسمی قبل از ازدواج. *دومین کنگره سراسری آسیب‌شناسی خانواده در ایران*. دانشگاه شهید بهشتی، اردیبهشت ۱۳۸۵.
۳. احمدی، ا؛ و جهانگرد، ا. (۱۳۹۹). رتبه‌بندی محلات شهر تهران از نظر سطح برخورداری و کیفیت زندگی با استفاده از Fuzzy TOPSIS/ *اقتصاد شهری*، ۵ (۱)، ۱۲۷-۱۴۸.
۴. امامی، ع؛ عسکری‌ندوشن، ع؛ ترکشوند مرادآبادی، م؛ و ترابی، ف. (۱۴۰۰). تأخیر ازدواج در ایران؛ تحلیل تفاوت‌های شهرستانی در الگوهای مجرد مردان و زنان. *مطالعات جمعیتی*، ۱۷ (۱)، ۳۵-۶۵.
۵. انتظاری، ا؛ غیاثوند، ا؛ و عباسی، ف. (۱۳۹۷). عوامل مؤثر بر افزایش سن ازدواج جوانان در شهر تهران. *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*. ۱۰ (۳۴)، ۲۰۱-۲۶۹.
۶. اینگلهارت، ر. (۱۳۸۲). *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*. (وتر. م، مترجم). چاپ دوم، تهران: انتشارات کویر.
۷. تاج‌بخش، غ.ر؛ و محمدی، ح. (۱۳۹۹). واکاوی دلایل گرایش جوانان به زندگی مجردی و روی‌گردانی از ازدواج. *جمعیت*، ۲۷ (۱۱۱)، ۱۱۳-۱۳۳.
۸. خلیج‌آبادی‌فراهانی، ف. (۱۳۹۱). تأثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج بر احتمال طلاق در بین افراد تحصیل‌کرده دانشگاهی. *مطالعات راهبردی زنان*، ۱۵ (۵۸)، ۴۹-۹۲.
۹. خلیج‌آبادی‌فراهانی، ف؛ کاظمی‌پور، ش؛ و رحیمی، ع. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج بر سن ازدواج و تمایل به ازدواج در بین دانشجویان دانشگاه‌های تهران. *خانواده پژوهی*، ۹ (۳)، ۲۸-۷.

۱۰. خلیج‌آبادی‌فراهانی، ف؛ و شجاعی، ج. (۱۳۹۲). بررسی نگرش دانشجویان دانشگاه‌های تهران نسبت به تأثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج بر رضایت زناشویی. *مطالعات راهبردی زنان*، ۱۶ (۶۱)، ۱۴۹-۱۸۸.
۱۱. خلیج‌آبادی‌فراهانی، ف. (۱۴۰۰). اهمیت ازدواج و تعیین‌کننده‌های آن با تأکید بر نقش نگرش و تجربه جنسی قبل از ازدواج در دختران دانشجو در تهران. *مطالعات جمعیتی*، ۱۷ (۱)، ۳-۳۴.
۱۲. ذوالفقاری، ش. (۱۳۹۲). *فراتحلیلی بر پژوهش‌های انجام شده در زمینه عوامل مؤثر بر طلاق*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی. دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۳. رجبی، م؛ و البرزی، ص. (۱۳۹۶). نگاهی جامعه‌شناختی به رابطه تماشای ماهواره و دوستی با جنس مخالف. *مشارکت و توسعه اجتماعی*، ۲ (۴)، ۱-۱۵.
۱۴. رحیمی، ع؛ کاظمی‌پور، ش؛ و رازقی‌نصرآباد، ح. (۱۳۹۴). تحلیل گذار مجرد زنان و مردان در ایران طی سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰. *مطالعات اجتماعی ایران*، ۹ (۳)، ۸۰-۱۰۹.
۱۵. رشوند، م. (۱۳۹۷). *متمایزکننده‌های وضعیت ازدواج در میان زنان شهر تهران*. پایان‌نامه دکتری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
۱۶. زینتی، ع. (۱۳۸۲). اسلام و رابطه دختر و پسر. *مطالعات راهبردی زنان*، ۷ (۲۴)، ۸۵-۱۲۳.
۱۷. سرایی، ح؛ و اجاقلو، س. (۱۳۹۲). مطالعه نسلی تغییر ارزش ازدواج در ایران، مطالعه موردی زنان شهر زنجان. *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ۵ (۴)، ۱۹-۴۱.
۱۸. سیاح، س؛ کوچک انتار، ر؛ و حسنی، ف. (۱۳۹۷). بررسی مقایسه‌ای سطح تحصیلات و نگرش به ازدواج در بین جوانان دختر و پسر شهر تهران. *رویش روانشناسی*، ۷ (۳)، ۲۷-۳۶.
۱۹. شهنواز، س؛ منصوره‌اعظم، آ؛ و قاضی‌نژاد، م. (۱۳۹۹). احتمال وقوع و تحلیل حساسیت پیشران‌های مجرد در ایران. *مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، ۱۸ (۴۶)، ۱۹۵-۲۲۰.
۲۰. عسگری‌ندوشن، ع؛ فتوحی‌تفتی، ف؛ و علی‌مندگاری، م. (۱۳۹۷). تفاوت‌های اقتصادی، اجتماعی مرتبط با سن ازدواج زنان در ایران: مطالعه تطبیقی دختران جوان در آستانه ازدواج و زنان همسر دار ۴۹-۱۵ ساله. *فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده*، ۲۰ (۷۹)، ۱۷۱-۲۱۰.

۲۱. عظیمی هاشمی، م؛ اعظم کاری، ف؛ بی گناه، م؛ و رضامنش، ف. (۱۳۹۴). ارزش ها، نگرش ها و الگوهای کنش جوانان در همسرگزینی و روابط پیش از ازدواج. *راهبرد فرهنگ*، ۱(۹)، ۱۷۹-۲۱۲.
۲۲. علی تبار، س.ه؛ قنبری، س؛ زاده محمدی، ع؛ و حبیبی، م. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین روابط جنسی پیش از ازدواج با نگرش به روابط فرازناشویی. *خانواده پژوهی*، ۲(۱۰)، ۲۵۵-۲۶۷.
۲۳. غفاری، د؛ صیدی، م.س؛ و رضایی، خ. (۱۳۹۶). تأثیر ماهواره در بی ثباتی ازدواج؛ نقش واسطه ای دینداری و نگرش مثبت نسبت به رابطه با جنس مخالف. *پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده*، ۵(۱)، ۹-۲۱.
۲۴. غیاثوند، ا. (۱۴۰۲). انگاره ازدواج در بین جوانان ایرانی؛ سنخ ها و چالش ها. *مطالعات راهبردی ورزش و جوانان*، ۲۲(۶۲)، ۴۷۹-۵۰۶.
۲۵. قادرزاده، ا؛ محمدی، ف؛ و محمدی، ح. (۱۳۹۶). جوانان و روابط پیش از ازدواج؛ مطالعه کیفی زمینه ها، تعاملات و پیامدهای آن. *راهبرد فرهنگ*، ۱۰(۳۸)، ۶-۴۰.
۲۶. قنبری برزین، ع؛ سلمانوندی، ش؛ و فاطمی، ن.س. (۱۳۹۷). تأملی بر تأثیر روابط جنسی پیش از ازدواج بر گرایش به ازدواج مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه اصفهان. *پژوهشهای راهبردی مسائل اجتماعی ایران*، ۷(۳)، ۳۳-۵۴.
۲۷. کلانتری، ع.ح؛ روشنفکر، پ؛ و جواهری، ج. (۱۳۹۰). مرور سه دهه تحقیقات علل طلاق در ایران. *مطالعات راهبردی زنان*، ۱۴(۵۳)، ۱۲۹-۱۶۲.
۲۸. کیان پور، س؛ فرهنگ، ا.ع؛ و حاجیان، م. (۱۴۰۲). عوامل مرتبط با گرایش جوانان به تجرد (مورد مطالعه: استان همدان). *پژوهش انحرافات و مسائل اجتماعی*، ۳(۷)، ۱۳۵-۱۶۸.
۲۹. گیدنز، آ. (۱۳۸۶). *چشم اندازهای جهانی*. (جلانی پور. م. ر، مترجم). تهران: طرح نو.
۳۰. مبارکی، ا؛ و شرفی، م. (۱۳۹۸). بررسی رابطه بین استفاده از ماهواره، اینترنت و شبکه های اجتماعی مجازی و نگرش به دوستی با جنس مخالف قبل از ازدواج (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه های شهر اراک). *مطالعات رسانه های نوین*، ۵(۱۸)، ۱۳۱-۱۶۶.

۳۱. مرادی، گ؛ و صفاریان، م. (۱۳۹۱). عوامل اجتماعی و اقتصادی مرتبط با افزایش سن ازدواج جوانان (مطالعه موردی شهر کرمانشاه). *مطالعات جامعه‌شناسی جوانان*، ۳(۷)، ۸۱-۱۰۸.
۳۲. مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). *نتایج تفصیلی سرشماری کشور در ۱۳۹۵*. [منبع الکترونیکی] <http://amar.sci.org.ir>
۳۳. معمار، ث؛ و یزدخواستی، ب. (۱۳۹۴). تجارب زیسته دختران شاغل ۳۰ تا ۴۹ سال از مجرد. *مسائل اجتماعی ایران*، ۶(۲)، ۱۴۹-۱۷۲.
۳۴. نژادابراهیم، ا؛ سعیدی‌فرد، ط؛ وحیدنیا، ن؛ و احمدی، خ. (۱۳۹۵). نقش روابط پیش از ازدواج در خیانت زناشویی. *سلامت اجتماعی*، ۳(۴)، ۲۲۶-۲۹۹.

35. Fisher, H. E. (2014). The tyranny of love: Love addiction—an anthropologist's view. *Behavioral Addictions*, 12(74), 237- 265.
36. Gaughan, M. (2002). The substitution hypothesis: The impact of premarital liaisons and human capital on marital timing. *Journal of Marriage and Family*, 64(2), 407-419.
37. Hamplova, D. (2003). Marriage and Educational Attainment: A Dynamic Approach to First Union Formation. *Institute of Sociological Review*, 39(6), 841- 863.
38. Hossain, M. Y., & Islam, R. (2013). Effects of Socio-Economic and Demographic Variables on Age at First Marriage in Bangladesh. *Current Research Journal of Biological Sciences*, 5(4), 149-152.
39. Lesthaeghe, R., & van de kaa. D.J. (1986). Twee demografische transitities? (Two demographic transitions?). *Bevolking - Groei en krimp, Mens en Maatschappij, Van Loghum Slaterus, Deventer: Van Loghum Slaterus*, pp: 9-24.
40. Lesthaeghe, R., & Surkyn, J. (1988). "Cultural Dynamics and Economic Theories of Fertility Change". *Population and Development Review*, 14(1), 1-45.
41. Statistical Center of Iran. (2021). *Report of the Statistics Center of Iran*. <https://www.amar.org.ir> (In Persian)
42. Van de Kaa, D.J. (2001). "Postmodern Fertility Preferences: From Changing Value Orientation to New Behavior". *Population and Development Review*, 27(Supp.): 290-331.